



نقش اصحاب امام رضا علیه السلام در مقابله با جریان های انحرافی

دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۱ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۲۰

عزت الله مولایی نیا^۱، نعیمه خراسانی^۲

چکیده

عصر رضوی، دوره ای است که فرقه ها و جریان های انحرافی فراوانی فعالیت داشته اند و شرایط برای ترویج این فرق و جریان های بیشتر مهیا بوده است. امام رضا علیه السلام و یاران ایشان در مقابله با این جریان ها تلاش های فراوانی داشتند. در این میان نقش یاران آن حضرت در این دوران بسیار چشمگیر و پررنگ است. این یاران که از عالمان، اصحاب حدیث و متکلمان و فقیهان عصر خویش به شمار می رفتند با شیوه های گوناگون به مقابله با این جریان ها پرداخته و نقشی بس مهم در این مسیر ایفا کردند. مناظره و استدلال دقیق عقلی و منطقی، تدوین کتاب های متعدد در تبیین اسلام اصیل و شناخت انحرافات، نشر معارف دینی و تبلیغ و ترویج آن در میان عوام و خواص و همچنین تربیت شاگردانی ممتاز که هر کدام خود از مدافعان و مبلغان اسلام اصیل بودند و در جبهه مقابله با این جریان ها انحرافی نقشی فعال داشتند؛ از جمله شیوه های این یاران امام در مقابله با جریان های انحرافی عصر رضوی بود. این مقاله با بررسی هر یک از این روش ها سعی بر بیان نقش و جایگاه ارزشمند یاران امام رضا علیه السلام در آن دوران داشته تا بدانجا که می توان به وضوح کم رنگ شدن این جریان ها را در دوران امام جواد علیه السلام مشاهده کرد.

کلیدواژه ها: امام رضا علیه السلام، جریان های انحرافی، اصحاب و یاران امام رضا علیه السلام، نقش اصحاب، مبارزه.

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم (نویسنده مسئول): molaeniya@gmail.com
۲. دانش آموخته کارشناسی ارشد شیعه شناسی دانشگاه قم: naeemehkhorasani@gmail.com

مقدمه

رسالت اصحاب امام رضا (علیه السلام) در دفاع از حریم اسلام و تشیع به علت ظهور فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی در این عصر، بیش از دوران امامان پیشین بود. آنان از محضر امام رضا (علیه السلام) کسب فیض می‌کردند و با علم و تقوا، جامعه را از انحرافات و لغزش‌ها در امان نگه‌می‌داشتند. آموزه‌های شریعت در رأس زندگی آنان قرار داشت و افرادی صاحب علم بودند که با استفاده از علم خود جامعه را از لغزش‌ها و انحرافات مصون می‌داشتند.

آگاهی و بیداری اصحاب امام (علیه السلام) عرصه را برای جریان‌های انحرافی تنگ کرد. در آن دوران که مغالطه‌ها و جدل‌های واقفیان^۱، بسیاری را به واقفیه سوق داده بود، اصحاب دانا و آگاه امام همچون یونس بن عبدالرحمن و صفوان بن یحیی را نتوانستند وارد این جریان انحرافی کنند، به‌طوری‌که سران واقفیان در صدد برآمدن آنان را تطمیع مالی کنند؛ اما این دو نپذیرفتند و بر عقیده خویش استوار ماندند.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اصحاب امام رضا (علیه السلام) که سبب شد در دام انحرافات و لغزش‌ها گرفتار نشوند، اطاعت محض از امام بوده است. محمد بن سنان و صفوان بن یحیی دو تن از افرادی بودند که امام جواد (علیه السلام) آن‌ها را تمجید کردند و فرمودند: «این دو هرگز با من و پدرم مخالفت نکردند.» (طوسی، ۱۴۰۴، ج ۱، ۵۰۴)

یاران امام رضا (علیه السلام) با راه‌هایی همچون مناظره، تدوین کتاب، نشر معارف دینی و تربیت شاگردان از مکتب تشیع دفاع کردند.

این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی، پس از بررسی عصر رضوی در صدد پاسخ به این سؤال است که یاران و اصحاب امام رضا (علیه السلام) چگونه با جریان‌های انحرافی مقابله کردند؟ تاکنون کتاب و مقاله‌ای با این رویکرد به این موضوع نپرداخته است.

۱. واقفیه یا واقفه به‌نحو عام بر هر کس که بر امامی از امامان توقف می‌کرد نیز اطلاق شده است؛ ولی در کتب فرقه‌شناسی بر توقف‌کنندگان بر امام کاظم (علیه السلام) انصراف دارد.

۱. ضرورت تحقیق

انحراف و شکل‌گیری فرقه‌های گوناگون از همان سال‌های صدر اسلام در جریان اسلام اصیل وجود داشته و هم‌اکنون نیز این انحرافات در قالب‌های گوناگون فرق انحرافی مهدویت و ... در جریان هستند. مقابله منطقی، صحیح و نظام‌مند با این فرقه‌های انحرافی از ضروریات این عرصه است. از منابع دستیابی به شیوه‌های منطقی و نظام‌مند در این باره نیز بهره‌گیری از سیره معصومین و اصحاب خاص ایشان است. با توجه به شرایط ویژه عصر رضوی در شکل‌گیری و گسترش فرقه‌ها و افکار گوناگون و مقابله امام رضا (علیه السلام) و اصحاب ایشان با این مسائل، می‌توان این دوره را بهترین و صریح‌ترین منبع برای دستیابی به شیوه‌های مقابله امام رضا و اصحاب ایشان با این فرق و جریان‌های نوپدید دانست. از این رو، این پژوهش با مطالعه و بررسی مناظرات، مباحثات و مباحث تاریخی آن دوره سعی در ارائه شیوه‌های اصحاب امام رضا با این جریان‌ها کرده است که قابلیت تسری به زمان حاضر نیز دارد.

۲. ویژگی عصر رضوی

در دوران امامت امام رضا (علیه السلام) علم و دانش در عرصه‌های متعددی پیشرفت کرد تا بدانجا که از این مقطع با عنوان «عصر طلایی» یاد می‌شود.

در این برهه، مباحث کلامی و عقلی به دلیل ترجمه کتاب‌های یونانی و استقبال خلیفه وقت، مأمون عباسی، از طرح افکار و اندیشه‌های مختلف در محافل و مجالس دربار، به صورت قابل توجهی گسترش یافت و طبعاً در این میان، بسیاری از این اندیشه‌ها از پشتوانه عقلی سازگار با کتاب و سنت بی‌بهره بود و موجب خطاها و لغزش‌های گسترده‌ای در افکار و اندیشه مسلمانان می‌شد.

در میان شیعیان نیز پس از وفات امام کاظم (علیه السلام) فرقه‌ای انحرافی به نام واقفیه شکل گرفت که بر امامت ایشان توقف کردند و همچنین جریان‌های دیگری همچون اسماعیلیان، فطحیان^۱ و غالیان فعالیت داشتند.

۱. فُطَحَّیَّة یا أَفْطَحِیَّة معتقدان به امامت عبدالله پسر امام جعفر صادق (علیه السلام) ملقب به أَفْطَح. پس از شهادت امام ششم شیعیان، پسر بزرگ وی، عبدالله ادعای جانشینی امام را کرد.

در این دوران، بخش عظیمی از فعالیت‌های امام رضا (علیه السلام) و یاران ایشان بر طرح مباحث و مناظرات علمی، برطرف کردن شبهات، تبیین آموزه‌های ناب مستند به کتاب، سنت و عقل و مبارزه با انحرافات در عرصه فکر و اندیشه متمرکز بود. امام رضا (علیه السلام) همچنین شاگردانی ناب و خالص و عالم پرورش دادند که از امام رضا (علیه السلام) اطاعت محض می‌کردند و از سردمداران مقابله با جریان‌های انحرافی بودند.

۲-۱. معرفی اجمالی برخی شاگردان امام رضا (علیه السلام)

۲-۱-۱. اباضت هروی (حدود ۱۶۰-۲۳۶ق)

وی یکی از مشهورترین و نزدیک‌ترین یاران امام رضا (علیه السلام) است که در مدینه به دنیا آمد و در جوانی برای فراگیری علم حدیث به شهرهای بسیاری سفر کرد. سرانجام به خراسان آمد و ساکن نیشابور شد (راوندی، ۱۳۸۱، ج ۱: ۵۲۷ و ۵۲۸). او میان خاص و عام به علم وثاقت معروف است. عالمان تاریخ و رجال، اباضت را از خادمان خاص و محارم امام رضا (علیه السلام) دانسته‌اند. اباضت روایات فراوانی درباره توحید، امامت و تفسیر از حضرت رضا (علیه السلام) نقل کرده است. با مطالعه و بررسی زندگی او درمی‌یابیم که در عصر خویش از شخصیت‌های مطمئن و به‌نام اهل حدیث بوده و برای گردآوری حدیث به شهرهای متعدد سفر کرده است. در شجاعت، حق‌گویی و صراحت لهجه نیز کم‌مانند بوده است.

۲-۱-۲. یونس بن عبدالرحمن (حدود ۱۲۵ تا ۲۰۸ق)

یونس بن عبدالرحمن، معروف به «مولی آل یقطین» است؛ زیرا آزادشده علی بن یقطین بن موسی است (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۴۴۶). وی از اصحاب اجماع است. بنا بر گزارش‌های تاریخی، امام رضا (علیه السلام) شیعیانی را که دور بودند و به ایشان دسترسی نداشتند، به یونس بن عبدالرحمن ارجاع می‌دادند (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۷۷۹) و او را معتمد خود و ثقه در امور دینی و سؤالات علمی شیعیان معرفی می‌کردند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۲۵۱). یونس نزد امامان شیعه و به‌خصوص امام رضا (علیه السلام) جایگاه ویژه‌ای داشت و بارها از وی با عنوان عبد صالح و بنده نیک خدا یاد شده است (طوسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۷۸۲-۷۸۴). او وکیل امام

رضا (علیه السلام) بود. مطابق با منابع رجالی، امام رضا (علیه السلام) سه بار بهشت را از طرف خود و پدرانش برای وی ضمانت کردند و فرمودند: «یونس بن عبدالرحمن در زمان خود مانند سلمان در زمان خود بود» (همان: ۷۸۱). شیخ طوسی تعداد تألیفات یونس بن عبدالرحمن را بیش از ۳۰ کتاب می‌داند (همان: ۲۶۶).

۲-۱-۳. ابراهیم بن هاشم ابو اسحاق قمی (تاریخ ولادت و وفات وی نامعلوم است).

او اصالتاً اهل کوفه است و از آنجا که به قم منتقل شده، به قمی شهرت یافته است. نجاشی او را از اصحاب امام رضا (علیه السلام) شمرده و گفته است: «اصحاب ما گویند او اول کسی است که حدیث کوفیان را در قم انتشار داد.» (مامقانی، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۹). او کتاب‌هایی به نام کتاب نوادر و کتاب قضاوت‌های امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) دارد. (همان)

۲-۱-۴. زکریا بن آدم (قرن دوم و سوم هجری)

او فرزند عبد الله بن سعد اشعری قمی است؛ یکی از اصحابی که نزد امام رضا (علیه السلام) مورد اعتماد بود. از او کتاب‌های متعددی به جا مانده است. محمد بن حمزه از زکریا بن آدم روایت کرده است که گفت: به امام رضا (علیه السلام) گفتم که می‌خواهم فامیلم را رها کنم؛ زیرا بین آن‌ها افراد سفیه زیاد شده است. حضرت فرمود: «این کار را نکن؛ زیرا به وسیله تو بلا از آن‌ها دفع می‌شود. همان‌گونه که به خاطر ابی الحسن الکاظم (علیه السلام) بلا از مردم بغداد دفع می‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ق ۴۹: ۷۸).

موارد متعددی بر منزلت و جایگاه زکریا بن آدم نزد امام رضا (علیه السلام) دلالت دارد. علی بن مسیب روایت کرده است که به امام رضا (علیه السلام) گفتم خانواده من دور است و من نمی‌توانم همیشه به نزد شما بیایم. از چه کسی معالم دینم را یاد بگیرم؟ حضرت فرمود: از زکریا بن آدم قمی که امین در دین و دنیا است. علی ابن مسیب گفت: چون برگشتم، به نزد زکریا بن آدم رفتم و راجع به احتیاجات دینم از او پرسیدم. محمد بن اسحاق و حسن بن محمد روایت کرده‌اند که سه ماه بعد از وفات زکریا بن آدم برای حج خارج شدیم. بین راه نامه حضرت رضا (علیه السلام) را دریافت کردیم که در آن تذکر داده شده بود درباره شخص متوقی

که: «رحمت خدا بر او باد روزی که متولد شد و روزی که قبض روح شد و روزی که دوباره زنده می‌شود. در زندگی‌اش عارف به حق و قائل به اویزیست. صابر و دوراندیش برای حق بود. آنچه را که خدا و رسولش دوست داشتند انجام می‌داد. گذشت در حالی که عهد خدا را نشکست و آن را تغییر نداد. خدا به او اجر پیامبری‌اش را عطا کند و او را به آرزوهایش برساند. تو راجع به امانتداری آن مرد صحبت کردی و نظر ما را درباره او نمی‌دانی و ما درباره او بیش از آنچه که تو (یعنی حسن بن محمد) توصیف کردی می‌دانیم.» (شریف قریشی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۱۰) و این روایت حاکی از علو منزلت زکریا بن آدم نزد امام رضا (علیه السلام) است.

۲-۱-۵. فضل بن شاذان نیشابوری

ابومحمد فضل بن شاذان بن خلیل ازدی نیشابوری (۲۶۰ق) متکلم و فقیه امامی بود. او در طول حیات خود در بغداد، کوفه و نیشابور بسیار تأثیرگذار بود و کتاب‌های متعددی را تألیف کرد. وی همواره با مخالفان و منحرفان در حال مناظره بود و برای دفاع از مذهب شیعه بسیار تلاش می‌کرد. عالمان رجال و حدیث، همچون نجاشی، مرحوم سید حسن صدر و علامه حلی، فضل را دانشمندی موثق و یکی از فقیهان و متکلمان بزرگ می‌دانند که جایگاه و مقام والایی در میان شیعه داشت (صدر، ۱۴۰۱ق: ۳۴۴ و ۳۷۷).

۲-۱-۶. محمد بن خالد برقی

شیخ طوسی او را از اصحاب امام رضا (علیه السلام) شمرده است. وی در زمینه ادبی فعالیت می‌کرد و در زمینه اخبار و علوم عرب تبهر داشت. از وی کتاب‌های متعددی به جا مانده که از آن جمله است: کتاب التنزیل والتعبیر، کتاب یوم و لیل، کتاب التفسیر، کتاب مکه و المدینه، کتاب حروب الاوس والخزرج، کتاب العلل، کتاب فی علم الباری و کتاب الخطب (شریف قرشی، ۱۳۸۳، ج ۲: ۲۵۲).

۲-۲. شیوه‌های مقابله اصحاب امام رضا (علیه السلام) با جریان‌های انحرافی

۲-۲-۱. مناظره

مناظره به استفاده نظام‌مند از استدلال‌های عقلی برای دفاع از باور دینی اطلاق می‌شود. در زمان مأمون عباسی مناظره بین ادیان بسیار رواج داشت و یکی از شیوه‌های اصحاب امام رضا (علیه السلام) برای مقابله با جریان‌های انحرافی، برگزاری جلسات مباحثه و مناظره با مخالفان بود.

فضل بن شاذان از جمله شاگردان و یاران امام رضا (علیه السلام) پیوسته با مخالفان و کج‌فکران و منحرفان عصر خویش در حال مناظره بوده و از مذهب تشیع دفاع می‌کرده است. او با فرقه‌های مختلفی از جمله ثنویه، حشویه، قرامطه و کرامیه به مناظره می‌پرداخت. فضل بن شاذان در نیشابور زندگی می‌کرد و در آن دوران عبدالله بن طاهر از دشمنان تشیع حاکم نیشابور بوده است. خوارج و دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) و غلات در آنجا زندگی می‌کردند. در چنین فضایی، وی با برهان‌های استوار عقلی و نقلی از حریم ولایت دفاع و جای خالی متکلمان و فقیهان بزرگی همچون هشام بن حکم را پر کرد (طوسی، ۱۴۰۴ق: ۵۳۴). مناظرات و احتجاجات او از راه قلم و بیان معروف و مشهور است (عطاردی قوچانی، ۱۳۸۸: ۲۰۰) به طوری که یادآور مناظره‌های هشام بن حکم است. فضل در مناظره‌ای که از او سؤال شد: بر امامت علی بن ابی طالب چه دلیلی وجود دارد؟ پاسخ داد: «بر این امر دلایل زیادی وجود دارد؛ یکی از آن‌ها، آیه قرآن است که فرموده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ»، با این توضیح که خداوند ما را به اطاعت از اولی الامر دعوت کرده همچنان که ما را به اطاعت از خود و رسولش امر کرده است؛ بنابراین، همچنان که بر ما شناخت خدا و رسول واجب است، شناخت اولی الامر ضروری و واجب می‌شود. از طرف دیگر، همه اجماع دارند که این آیه در شأن علی بن ابی طالب است؛ ولی در معنای اولی الامر اختلاف کرده‌اند. بعضی گفته‌اند: اولی الامر، امیران و فرماندهان جنگ هستند. بعضی گفته‌اند: منظور، علما هستند و برخی منظور از اولی الامر را آمرین به معروف می‌دانند. حال ما می‌پرسیم: بر فرض که همه

این‌ها درست باشد؛ آیا امام علی (علیه السلام) از فرماندهان جنگ نبود؟ قطعاً می‌گویند: بوده است. به دسته دوم می‌گوییم: آیا علی (علیه السلام) از علما نبود؟ باز جواب مثبت است. به دسته سوم می‌گوییم: آیا علی (علیه السلام) آمر به معروف و ناهی از منکر نبود؟ این را نیز قبول دارند. نتیجه اینکه با اقرار طرف مقابل، این اتفاق و اجماع به دست می‌آید که مقصود از آیه قرآن، قطعاً علی (علیه السلام) است» (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۱، ۳۷۴).

از دیگر اصحاب امام رضا (علیه السلام) که با مکتب‌های انحرافی مناظره داشته، ابوصلت هروی (طوسی، ۱۴۰۴، ج ۱، ۵۱۸) بوده است. وی با هواپرستان، صاحبان مقالات، فرقه‌ها، زنداقه و مرجئه و قدریه و جهمیه بحث و از حق دفاع می‌کرد.

در زمان مأمون، فرقه‌ها و ادیان متعددی وجود داشت که عقاید خود را ترویج می‌کردند حتی اگر با نصوص قرآن و سنت مخالف بود. از جمله مسائلی که در عصر مأمون ایجاد شد، موضوع خلق قرآن بود که گروهی از علما و اهل حدیث به آن معتقد شدند.

بشر بن غیاث مریسی از شاگردان ابویوسف قاضی و از عالمان کلام بود. او مسئله «خلق قرآن» را مطرح کرد و گفت: «قرآن، قدیم نیست، بلکه مخلوق است» (عطاردی قوچانی، ۱۳۸۸: ۲۳۴-۲۳۵). این موضوع سبب اختلاف و پراکندگی شد. گروهی از او پیروی کردند و عده زیادی از بزرگان همچون احمد بن حنبل با وی به مخالفت برخاستند. اباضیت نیز با وی به مخالفت برخاست و در مجلس مأمون، با او مناظره کرد و بشر بن غیاث شکست خورد؛ اما از آنجا که مأمون از طرفداران اندیشه بشر بود، بشر فعالیت خود را ادامه داد و مأمون نیز از وی حمایت می‌کرد و مخالفانش را سرکوب می‌کرد، زمانی که اباضیت متوجه این موضوع شد، عازم نیشابور شد و در آنجا به بحث و مناظره مشغول شد.

۲-۲-۲. تدوین کتاب

از دیگر شیوه‌هایی که اصحاب برای مقابله با جریان‌های انحرافی در پیش گرفتند، تدوین و نگارش کتاب بود. حسین بن سعید اهوازی از اصحاب خاص امام رضا (علیه السلام) است که کتب و تألیفات زیادی دارد و در کتب رجال و فهرس ذکر شده است. بیش از ۵۰۲۶

روایت از او در زمینه دانش‌ها و معارف گوناگون رسیده است. وی از جمله افراد و یاران امام است که در فضای پر از رعب و وحشت و اختناق آلود آن دوران به نشر معارف اهل بیت و مبارزه با منحرفان پرداخت. به عنوان نمونه، کتاب الرد علی الغلاة را برای هدایت غلات نوشته است. او همچنین برای معرفی واقعی اهل بیت (علیهم السلام) و تبیین جایگاه حقیقی آنان، کتاب مناقب و در احتجاج با مخالفان شیعه و تبیین بطلان حاکمان غاصب، کتاب مثالب را نوشته است (طوسی: ۱۰۵).

فضل بن شاذان هم از جمله یاران امام رضا (علیه السلام) است که به تألیف کتب در رد فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی پرداخته است. او حدود ۱۸۰ کتاب تألیف کرده است (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۰۷). بیشتر کتاب‌های وی در زمینه عقیدتی، کلامی، مسائل امامت و رد مخالفان است و نیز کتاب‌هایی در رد فرقه‌های انحرافی آن عصر و اثبات امامت و ولایت ائمه دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از: ۱. الرد علی اهل التعطیل، ۲. الرد علی الثنویه، ۳. الرد علی الحشویه، ۴. کتاب الوعید، ۵. الرد علی القرامطه، ۶. بیان اصل الضلالة، ۷. الايضاح و... (نجاشی، ۱۴۰۷ق: ۳۰۶).

تنها کتابی که به طور کامل از فضل بن شاذان به دست آمده و چاپ و منتشر شده، کتاب ایضاح است. در توضیح کتاب الايضاح او گفته شده است: ایضاح، کتابی کلامی است که موضوعات فقهی نیز با همین رنگ در آن جای گرفته‌اند. ابن شاذان تألیف خویش را با آیاتی از قرآن شروع می‌کند که دوراه نور و ظلمت و احتجاج خداوند را بر خلق و حجّت‌های آشکارش بیان می‌کند. او سپس اصل وجود اختلاف را گوشزد می‌کند و به تمیز میان دو سوی اختلاف می‌پردازد و پس از آن یک‌به‌یک آرای «جهمیه»، «معتزله»، «جبریه»، «حشویه و اصحاب حدیث»، «مرجئه»، «خوارج»، «اهل حجاز و عراق» را نقل می‌کند و در همان جا به ردّ آن‌ها می‌پردازد. او با تسلط بر علم حدیث و کلام، جواب‌هایی نغز و کوتاه می‌دهد و گاه مستند حدیثی آنان را به گونه‌ای دیگر معنا می‌کند که هم درست می‌نماید و هم معنای اشتباه آنان را درهم می‌کوبد. گاه نیز با استناد به آیات قرآنی که مورد اتفاق همه مسلمانان است، پاسخ می‌دهد. ابن شاذان در مناظرات مکتوب در ایضاح، خود یک‌سوی مناظره است. در واقع، او خود مناظره و احتجاج را شکل می‌بخشد، نه آنکه

مناظره و احتجاج امامان (علیهم السلام) را گزارش دهد. اگرچه او از احادیث متعددی سود جسته و از برهان و دلیل‌های منقول در کلام امامان (علیهم السلام) بهره گرفته؛ اما این متفاوت با کاری است که طبرسی در احتجاج کرده و عین متن گفت‌وگو و مناظره را گزارش کرده است که در ادامه مقاله به آن می‌پردازیم. افزون بر این، ابن شاذان، شاخصه دیگری نیز دارد. او به جای دفاع محض و حرکت واکنشی، یک گام به پیش می‌نهد و به باورهای نادرست کژاندیشان، ظاهرگرایان، حشویه و ... می‌تازد. وی حرکتی سنگین و همه‌جانبه را با استناد به قرآن و حدیث و تاریخ می‌آغازد و در یک گفت‌وگوی کتبی و علمی، کار را به پایان می‌برد (سعودی، ۱۳۸۹: ۳۷۳ و ۳۷۴).

یونس بن عبدالرحمن هم کتاب‌ها و تصنیفات زیادی از خود به یادگار گذاشته است. فضل بن شاذان درباره وی چنین می‌گوید: «یونس بالغ بر یک هزار کتاب در رد مخالفان شیعه تألیف کرده است» (طوسی، ۱۴۰۴ ق: ۷۱۰).

۲-۲-۳. نشر معارف دینی

یکی از روش‌هایی که اصحاب امام (علیه السلام) برای مقابله با جریان‌های انحرافی برگزیدند، نشر احادیث اهل بیت و معارف دینی بود. آن‌ها همچنین با اظهار دوستی به اهل بیت و تبری از دشمنان و افشای برخی از واقعیات در برابر دشمنان و مخالفان تشیع به دفاع از مکتب تشیع و مقابله با مخالفان آن پرداختند.

یکی از یاران و همراهان امام رضا (علیه السلام) اباصلت هروی بود که هنگام ورود امام رضا (علیه السلام) به نیشابور همراه حضرت بود. وی یکی از راویان حدیث «سلسلة الذهب» است که امام آن را در نیشابور القا و املا کردند. این حدیث پس از توحید به جایگاه واقعی اهل بیت (علیهم السلام) اشاره می‌کند که یکی از مهم‌ترین اقدامات امام رضا (علیه السلام) در بیان غاصبانه بودن حکومت عباسی است. شاگردان امام رضا (علیه السلام) نیز با بیان این روایت در موقعیت‌های گوناگون به دفاع از ولایت ائمه می‌پرداختند (مهدوی پارسا، ۱۳۹۲: ۲۰۱).

یکی دیگر از تلاش‌های اباصلت برای دفاع از تشیع، افشای چهره واقعی مأمون بود،

چراکه مأمون ولایت عهدی را به امام رضا (علیه السلام) واگذار کرد تا شأن ایشان در دید شیعیان کم شود. اباصلت در بیان علت واگذاری ولایت عهدی به امام هشتم (علیه السلام) می‌گوید: «مأمون، ولایت عهدی را به امام واگذار کرد که به مردم نشان دهد امام، وابسته به دنیاست تا بدین ترتیب، از موقعیت معنوی ایشان نزد مردم بکاهد» (ابن بابویه، ۱۳۷۸ ق، ج ۲: ۲۴۱). بر اثر روشنگری‌های اباصلت و یاران حضرت و رهنمودهای خود امام (علیه السلام) بود که این شبهه از ذهن مردم برطرف شد و مأمون به هدف خود نرسید.

زکریا بن آدم از دیگر اصحاب امام رضا (علیه السلام) است که به دفاع از مکتب تشیع پرداخت. پس از شهادت امام کاظم (علیه السلام) و در دوران امامت امام رضا (علیه السلام) بود که فرقه واقفیه پدید آمد. در این میان، زکریا بن آدم درخشان‌ترین و حساس‌ترین نقش خود را ایفا کرد و اسلام و تشیع را از انحراف دور ساخت و از آنجا که مورد پذیرش شیعیان بود، با سخنان و رهنمودهای روشنگر خود، با فرقه واقفیه مبارزه کرد.

از علی بن عبدالله هاشمی نقل شده است که: حدود ۶۰ نفر بر سر قبر پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) نشستند بودیم. در این هنگام ابو ابراهیم، امام موسی بن جعفر (علیه السلام) در حالی که دست فرزندش علی را در دست داشت، بر جمع وارد شد و فرمود: نام و نسب مرا بگویید. گفتیم: شما موسی بن جعفر (علیه السلام) هستید. سپس فرمود: اینکه همراه من است، کیست؟ گفتیم: او علی بن موسی بن جعفر (امام رضا) است. سپس امام موسی بن جعفر (علیه السلام) فرمود: پس شاهد باشید که او در زمان زندگی ام، وکیل و نماینده من و پس از مرگم جانشین من است» (حر عاملی، ۱۴۲۲ ق، ج ۳: ۲۳۶).

یونس بن عبدالرحمن نیز از جمله صحابی امام (علیه السلام) است که با ایستادگی در برابر واقفیه به دفاع از مکتب تشیع پرداخت. وی پس از ایجاد مذهب واقفیه گفته است: هنگامی که من این انحراف آشکار را مشاهده کردم و امامت حضرت رضا (علیه السلام) برای من ثابت و مسلم شد، به تبلیغ و حمایت از شأن و منزلت و امامت حضرت رضا (علیه السلام) پرداختم و شیعیان را به سوی آن وجود گرامی دعوت کردم. آن دو نفر (زیاد قندی و علی بن ابی حمزه بطائی) تا مبارزه سخت مرا دیدند، نماینده‌ای به سوی من فرستادند و پرسیدند: به چه دلیل

مردم را به سوی او، حضرت رضا (علیه السلام)، دعوت می‌کنی؟ اگر پول می‌خواهی ما تو را بی‌نیاز می‌کنیم. آنان متعهد شدند که ۱۰ هزار دینار به من بدهند تا از این تبلیغ و افشاگری دست بردارم به آنان گفتم: این روایت از امامان شیعه به ما رسیده است که: «هر زمانی که دیدید در جامعه اسلامی انحراف و بدعت به وجود آمد باید در مقابل آن بایستید موضع بگیرید و خاموش ننشینید و گرنه نور ایمان از شما سلب خواهد شد» (طوسی، ۱۴۰۴ق: ۷۸۶). من هرگز جهاد و مبارزه را در راه خدا ترک نخواهم کرد بر این اساس بود که آن کینه مرا در دل گرفتند و مبارزه سختی را علیه من شروع کردند» (همان)

یونس بن عبدالرحمن یکی از محدثان بزرگ دوران و اصحاب اجماع، روایات زیادی از امام رضا نقل کرده است که حضرت به وی امر کردند به مردم علم بیاموزد. او از طریق نقل روایات و احادیث از معصومین به ترویج و نشر فرهنگ دینی و شیعی پرداخته است.

ابراهیم بن هاشم قمی نیز در نشر معارف اهل بیت (علیهم السلام) در ایران و جهان اسلام تلاش‌های فراوانی کرده است که از خدمات فرهنگی‌اش، در طول قرن‌ها، عالمان و فقیهان مکتب تشیع از آن استفاده کرده‌اند (همان: ۱۲).

در آن دوران کوفه مهد معارف و سخنان اهل بیت (علیهم السلام) بود. ابراهیم با اندوخته‌های علمی و حدیثی از کوفه به قم مهاجرت و معارف اهل بیت را در قم نشر کرد. به گونه‌ای که نقل شده است: وی نخستین کسی بود که سخنان راویان کوفی را در قم نشر کرد (همان: ۲۷). از وی حدود ۶۴۱۴ روایت نقل شده که در زمینه‌های گوناگون تفسیری، کلامی و فقهی است (خویی، ۱۳۹۰ق، ج ۱: ۲۱۹).

۲-۲-۴. تربیت شاگردان

تربیت شاگردان برای نشر حدیث و معارف اهل بیت (علیهم السلام) یکی از شیوه‌های اصحاب امام رضا (علیه السلام) برای بیان اسلام اصیل بوده است. یونس بن عبدالرحمن به افرادی که شایسته و مستعد بودند، آنچه را که از امامان معصوم (علیهم السلام) آموخته بود، آموزش داد. تعداد شاگردان او را ۴۵ نفر دانسته‌اند که از آن جمله محمد بن عیسی بن عبید یقطینی، عبدالعزیز مهتدی

قمی، حسن بن علی الوشاء وعباس بن معروف قمی است.

حسین بن سعید اهوازی نیز به تربیت شاگردان پرداخت که احمد بن محمد بن عیسی اشعری یکی از شاگردانش است. احمد در عقاید سخت‌گیر بود و با مخالفان به شدت برخورد می‌کرد. وی با غالیگری سخت مخالف بوده و با غالیان مبارزه می‌کرده است. در یک مورد نقل شده که وی به یونس بن عبدالرحمان، محدث و متکلم مشهور امامی، بدگمان بود؛ اما بعدها به سبب خوابی که دیده بود، توبه کرد و از عقیده‌اش عدول نمود (طوسی، ۱۴۰۴ق: ۴۹۶-۴۹۷).

یکی دیگر از شاگردان او، احمد بن محمد بن خالد برقی مشهور به برقی محدث، مورخ و مؤلف نامی شیعه در قرن سوم قمری، از اصحاب امام جواد (علیه السلام) و امام هادی (علیه السلام) و صاحب کتاب المحاسن است. وی در میان شیعه و اهل سنت دارای وثاقت و جایگاه والایی است. کتاب المحاسن را می‌توان یک مجموعه کامل فقهی به شمار آورد.

ابراهیم بن هاشم قمی نیز شاگردان زیادی را پرورش داده است که هر کدام خدمات علمی ارزنده‌ای به مکتب تشیع ارائه دادند. علی بن ابراهیم، عبدالله بن جعفر حمیری، احمد بن ادریس، سعد بن عبدالله چند تن از شاگردان او هستند.

ابوالقاسم سعد بن عبدالله اشعری قمی از محدثان بزرگ شیعه در قرن سوم هجری بود. وی مدتی در بغداد سکونت داشت؛ اما احتمالاً اقامت دایمی‌اش در قم بوده است. سعد اشعری دوران امامت امام حسن عسکری (علیه السلام) و دوران غیبت صغری و حضرت صاحب الزمان (علیه السلام) را درک کرد.

سعد برای نشر فرهنگ تشیع و نقد مکتب‌های غیرشیعی، به برگزاری مجالس بحث و مناظره روی آورد. خود به تشکیل چنین محافلی اشاره می‌کند و می‌نویسد: «اشتیاق فراوانی به جمع‌آوری کتاب‌هایی مشتمل بر مباحث دقیق داشتیم. علاقه‌ام به این جهت بود که دانش‌های مفید را بیاموزیم و مسائل پیچیده را در نشست‌های علمی با مخالفان مطرح سازیم. اعتقاد کامل به مذهب امامیه داشتیم. به راحتی و سلامتی و امنیت خود

نمی‌اندیشیدیم و بیشتر به نقد دیدگاه‌های آنان در مبانی ولایت و خلافت پرداخته، از ستم‌های پیشوایانشان سخن می‌گفتم» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲: ۷۸) البته کتاب‌های سعد که دربارهٔ فرقه‌های مختلف شیعه، مناقب شیعه، الامامة و... نوشته شده، خود گویای این است که او اهل بحث، استدلال و مناظره بود.

۳. نتیجه‌گیری

بررسی و مطالعهٔ عصر رضوی نشان می‌دهد که در آن دوران که حق و باطل به هم آمیخته بود و بسیاری از مسلمانان سردرگم شده بودند، اصحاب و یاران خاص امام رضا در برابر این جریان‌ها مقاومت و ایستادگی کردند. آنان در این دوران، امام (علیه السلام) را یاری کردند و به روش‌های مختلفی با جریان‌های انحرافی به مبارزه و مقابله پرداختند.

اصحاب با برگزاری جلسات مباحثه و مناظره با مخالفان از مذهب تشیع دفاع کردند. برخی از اصحاب از جمله حسین بن سعید اهوازی و فضل بن شاذان با تدوین کتب متعدد به مقابله با جریان‌های انحرافی پرداختند. نشر معارف و احادیث اهل بیت و اظهار دوستی به آنان و اعلام دشمنان، افشای چهره حقیقی و تبری جستن از آنان از دیگر شیوه‌های مقابله اصحاب بود؛ برخی اصحاب امام رضا (علیه السلام) با تربیت افراد مستعد، احادیث را نشر دادند تا با جریان‌های انحرافی مقابله کنند.

عصر رضوی میان شیعیان انسجام نسبی برقرار بود، به‌طوری‌که پس از شهادت امام رضا (علیه السلام) با وجود کودکی امام جواد (علیه السلام) فرقهٔ جدیدی شکل نگرفت و این مسئله بیانگر تعالیم و روشنگری‌های امام رضا (علیه السلام) و یارانشان است.

منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۷۸ق). *عیون اخبار الرضا علیه السلام*. تهران: نشر جهان.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه*. قم: موسسه آل البيت علیه السلام.
- _____ . (۱۴۲۲ق). *اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات*. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- خویی، سید ابوالقاسم. (۱۳۹۰ق). *معجم رجال الحديث*. مرکز نشر الثقافة الاسلامیه فی العالم.
- راوندی، قطب الدین. (۱۳۸۱). *راویان مشترک*. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی و دفتر تبلیغات اسلامی.
- شریف قرشی، باقر. (۱۳۸۳). *پژوهشی دقیق در زندگانی امام رضا علیه السلام*. مترجم سید محمد صالحی. تهران: اسلامیه.
- صدر، سیدحسن. (۱۴۰۱ق). *تأسیس الشیعه*. بیروت: دارالرائد.
- طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۴ق). *اختیار معرفة الرجال*. تصحیح و تعلیق میرداماد استرآبادی، محمد باقرحسینی، سید مهدی رجایی. قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- _____ . (بی تا). *الفهرست*. قم: الشریف الرضی.
- عطاردی قوجانی، عزیز الله. (۱۳۸۸). *راویان امام رضا علیه السلام در مسند الرضا*. تهران: عطارد.
- فرمانیان، مهدی. (۱۳۸۹). *آشنایی با فرق تشیع*. قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
- مامقانی، عبدالله. (۱۳۸۹). *تنقیح المقال فی علم الرجال*. قم: موسسه آل البيت لاحیاء التراث.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). *بحار الانوار*. بیروت: موسسه الوفاء.
- مسعودی، عبدالهادی. (۱۳۸۹). *در پرتو حدیث*. قم: سازمان چاپ و نشر دارالحدیث.
- مهدوی پارسا، حسین. (۱۳۹۲). *نقش بصیرت یاران ائمه در تداوم شیعه (با رویکرد رسانه‌ای)*. قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- نجاشی، احمد بن علی. (۱۴۰۷ق). *رجال النجاشی*. قم: جامعه مدرسین.

